

سخنرانی برادرزنگنه در
اولین گردهمایی سراسری
مسئولین واحدهای بسیج
سازندگی

«بسیج سازندگی» باید بستر مناسب را برای جریان یافتن سیل عظیم مردم در سازندگی کشور فراهم کند.



با سلام و درود به امام امت و درود بر شهیدان و رزمندگان اسلام. خیلی خوشحال هستم که این فرصت پیدا شد که برادران مسئولین واحدهای بسیج از سراسر کشور نخستین سمینار خودشان را داشته باشند. گرچه همه سمینارهایی که ما از ابتدای تشکیل جهاد داشتیم به واقع سمینارهایی بود برای بررسی شیوه‌ای بسیج مردم جهت سازندگی روستاهای کشور، و مسئله بسیج در جهاد یک چیز تازه‌ای نیست که ما بخواهیم بیاییم در جهاد آن را مطرح کنیم و کاری کنیم که تا حالا در ذهن ما نبوده است. اساساً انقلاب ما با یک حرکت بسیجی بود که آغاز شد و پیروز شد و جهاد ما نیز همینطور. یعنی آنچه‌ای ما پیروز شدیم که ضعف تشکیلات مان را از یک طرف و ضعف تکنولوژی خودمان را از طرف دیگر توانستیم با حضور عظیم مردمی که می‌خواستند در صحنه باشند جبران کنیم. هنر بزرگ انقلاب ما این بوده که توانسته زمینه مناسب را و آنطور که بنده چند بار هم عرض کردم بستر مناسب را برای جریان یافتن سیل عظیم مردم ایجاد کند. بعنوان

مثال عرض می‌کنم که یک موقع است آبی می‌آید و در یک زمین وسیعی می‌شود این یک سیلاب است. که مخصوصاً بشر این کار را می‌کند یعنی می‌آید برای اینکه آب صدمه‌ای نزند، آن جوش و خروش و انرژی و فشارش را با باز کردنش و پخش کردنش سوی یک زمین وسیعی از بین می‌برد. بعبارتی متفرق‌اش می‌کند و قدرتش را می‌گیرد و این آب دیگر آن خروش و قدرت را ندارد، اما یک موقعی است که این آب را می‌شود کانالیزه کرد و بستر برایش درست کرد. سوی این بستر

اولین گردهمایی مسئولین واحدهای بسیج سازندگی استانهای سراسر کشور با بیانات برادر زنگنه وزیر جهاد سازندگی در روز شنبه ۲۳ آذرماه ۶۳ در مرکز امداد پزشکی حیدرآباد سازندگی آغاز شد. این گردهمایی که بمنظور بررسی روشهای جذب و سازماندهی و نیز بکارگیری هرچه گسترده‌تر نیروهای مردمی در رابطه با بازسازی روستاها تشکیل گردید بمدت ۳ روز ادامه یافت. در این سمینار وزیر جهاد سازندگی، نماینده حضرت امام در جهاد، حجت‌الاسلام والمسلمین موحدی کرمانی نماینده امام و امام جمعه باختران، حجت‌الاسلام رحمانی مسئول واحد بسیج سپاه پاسداران و برادر لاهیجانیان عضو شورای مرکزی جهاد سخنرانی‌هایی در رابطه با ضرورت بسیج اقشار مردم جهت سازندگی روستاها و نیل به خودکفائی و نیز نحوه فعالیت بسیج سازندگی جهاد ایراد نمودند.

در این سمینار علاوه بر جلسات عمومی که همراه با سخنرانی مسئول واحد بسیج سازندگی دفتر مرکزی، مسئولین کمیته‌های کشاورزی و آب دفتر مرکزی و نیز برخی از مسئولین واحدهای بسیج استانها بود، سه کمیسیون بحث و بررسی در رابطه با طرحها و برنامه‌های کشاورزی و عمرانی مناسب که بتواند زمینه فعالیت نیروها قرار گیرد و نیز روشهای بکارگیری آنها، نظام تشکیلات واحد بسیج سازندگی و روش‌های جذب نیرو، سازماندهی و اعزام نیروها، نظام اردوهای کار بسیج سازندگی و آئین‌نامه‌های انضباطی، تشویقی و خدماتی نیروها، تشکیل شد و بطور مبسوط مباحث فوق را مورد بررسی قرار داد. گردهمایی مسئولین واحدهای بسیج سازندگی استانها در روز دوشنبه ۲۵/۹/۶۳ با صدور قطعنامه‌ای در ۸ ماده بکار خود پایان داد. ذیلاً مشروح سخنرانی برادر زنگنه وزیر جهاد سازندگی که در افتتاح این گردهمایی ایراد شد و نیز قطعنامه پایانی این گردهمایی را درج می‌نماییم.

*واقعیت این است که در حال حاضر امکانات عظیمی را برای رفع محرومیتها و عمق خرابیهای بجامانده از رژیم طاغوت، نمی‌توان از دولت انتظار داشت و همچنین بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته نیز مستلزم وابستگیهایی به شرق و غرب است که آن نیز با اساس انقلاب اسلامی مامغایرت دارد و از طرفی انجام کارهایی که بطور کلاسیک صورت می‌گیرد، هراندازه که تعداد آنها نیز زیاد باشد، باز در برابر شدت خرابیهای بجامانده و حجم سازندگیهای مورد نیاز جوا بگون نیست.

* برای سازندگی کشور با توجه به امکانات محدود موجود، عمق محرومیتها و حجم سازندگیهای مورد نیاز چاره‌ای نداریم که از نیروهای توفنده اقشار مردم که برای سازندگی بسیج شده‌اند، استفاده کنیم.

می‌توان آبهای جاهای دیگر را هم جمع کرد و به جریان انداخت. اتفاقاً زهکشی هم همین کار را می‌کند، یعنی در یک زمین که آب داخلش هست می‌آیند یک کانال عمیقی می‌کنند. هر چه زه آب و آبهای ریز هست در کانال جمع می‌شود و جریان پیدا می‌کند. هنر بزرگ ما هم در این انقلاب باید این باشد که بتوانیم این قدرت عظیم مردم و این جویهای کوچک را جمع کنیم، آن انگیزه‌ها و شرایط مناسب را بوجود بیاوریم تا این قدرت عظیم که در ابتدا اندک است جمع بشود و بتواند مثل یک سیل از یک طرف بنیان محرومیتها و از طرف دیگر بنیان رژیمهای فاسدی که در مقابل ما قرار گرفته‌اند را بردارد. و همینطور هم شد که شاه از بین رفت یعنی اگر گروههای مخالف می‌آمدند و اگر می‌خواستیم بنشینیم که تشکیلات بوجود بیاوریم یک تشکیلات منظم، بعد گروههای مخفی، و

این بود که برای عقب‌زدن نیروهای کلاسیکی که به ما حمله کردند ما باید به تناسب آنها و یا دو برابر آنها و یا گاهی چند برابر آنها به همین سلاح و تکنیک و قدرت مجهز بشویم تا بتوانیم اینها را دفع کنیم. پس ما تانک می‌خواهیم، ما توپ می‌خواهیم، ما هواپیما می‌خواهیم اینها را هم که توی بازار آزاد نمی‌فروشند باید رفت با یک دولتی متحد شد. حالا آمریکا شیطان بزرگ است ولی فرانسه شیطان کوچک است پس با فرانسه، با ژاپن، با آلمان، بالاخره با یکی از اینها ما باید پیوند اخوت ببندیم تا از اینها هواپیما و توپ و تانک بخریم، سلاحهای پیشرفته بخریم تا بتوانیم مقابل عراق بایستیم و دفعشان کنیم. تا زمانی که این تفکر بنی صدر بود. نمی‌گذاشت این تفکر حزب‌الله در انقلاب حاکم بشود و از آنطرف هم می‌گفت که حزب‌الله و بسیج جنگ بلد نیستند، سرشان نمی‌شود، بی‌دانش

و جنگ بکنیم ولی بعد از یک ماه می‌دیدید که برمی‌گشتند که نمی‌شود. ولی بعد از اینکه این عامل اصلی (بنی صدر) که برای بسیج مردم در جهت مبارزه و دفع تجاوز مانعی بود برداشته شد مایه‌بینیم که چقدر خوب مردم توانستند سازمان پیدا کنند، قالب متناسب خودشان را پیدا بکنند و حضور بیابند و عمل بکنند و پیش بروند. مسئله سازندگی کشور هم ممکن است هدفش بطور مقطعی با آن هدف جنگ تفاوت داشته باشد اگر چه در درازمدت یکی است و آن اعلائی کلمه حق و سر بلندی اسلام و گسترش اسلام و تحکیم پایه‌های انقلاب اسلامی است. چه در جایی که ما می‌جنگیم چه در جایی که داریم می‌سازیم هر دو یک هدف کلی و درازمدت را دنبال می‌کنند اما بطور مقطعی هدف یکی تخریب دشمن، و دیگری ساختن کشور است، در سازندگی هم می‌بینیم، جاهائی می‌توانیم موفق بشویم که آن روحیه



تحت پوشش هر گروه مخفی هم یک گروه دیگر بوجود بیاوریم اینطوری صد سال طول می‌کشید تا انقلاب پیروز شود و تازه توی هر کدام از این گروههای مخفی ده جا ساواک نفوذ می‌کرد و آنها را نابود می‌کرد. اما کار عظیمی که امام بزرگوار ما کرد این بود که آمدند گروههای کوچک را حول محورهای طبیعی بسیج مردم که مساجد و روحانیون بودند جمع کردند و این جویهای کوچک تبدیل به سیل عظیمی شدند، که خیلی با قدرت و شدت توانستند شاه را سرنگون کنند. در جنگ هم همینطور بود، جنگ چه بود؟ اصولاً وقتی جنگ به نفع ما تغییر پیدا کرد که همان مکانیزم طبیعی انقلاب به میدان آمد و توانست وارد عمل بشود. دو نظریه بود روبروی همدیگر، یکی نظریه بنی صدر و دیگر نظریه، حزب‌الله و خط امام بود. نظر بنی صدر

هستند، بی‌تجربه‌اند، نمی‌شود به اینها تکیه کرد. ارتش قدرت دارد، تخصص دارد، امکانات دارد و باید فقط به ارتش اتکا کرد. البته بحث حزب‌الله هم بر سر نقی ارتش به هیچ‌وجه نبوده بلکه بحث بر سر اثبات حزب‌الله و بسیج مردم بود و ما تا آن موقع می‌بینیم حمله موفق در مقابل با عراق نداریم ولی بعد از بنی صدر ما می‌بینیم این امکان فراهم می‌شود که مردم بتوانند در سطح سیصد هزار، چهار صد هزار و پانصد هزار حضور بهم رسانند، می‌توانند که عراق هم غافلگیر می‌شود این یک شیوه جدیدی است که حضور عظیم مردم هست، که آمده‌اند تا مشکل خودشان را حل کنند. همان روزهایی که جنگ شروع شد ما شاهد بودیم که مردم گروه گروه می‌رفتند به جبهه‌ها، می‌گفتند ما می‌رویم در جبهه‌ها کار کنیم

بسیجی و مردمی را داشته باشیم. واقعیت این است که نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که امکانات عظیمی از بودجه بیت‌المال را برای ساختن مملکت در اختیار بگیریم. ما نمی‌توانیم از تکنولوژیهای خیلی پیشرفته انتظار بهره‌گیری داشته باشیم. از طرف دیگر کارهای کوچک کلاسیک هم با همین امکانات موجود و نیروهای کلاسیکی که ما در مملکت و حتی توی جهاد داریم هم نمی‌تواند مملکت را به جایی برساند. خیلی طول می‌کشد و زمان زیادی پیش پای ما می‌گذارد. در نتیجه بنظر من ما باید بیائیم روح جنگ و روحی که حاکم بر نبرد نظامی ما بوده است و در بر خورد با اجانب داشتیم، این روح را بر همه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خودمان بدمیم و این فرهنگ جنگ را و فرهنگ بسیج را در حرکتهای اقتصادی و اجتماعی خودمان برای ساختن روستاها احیا کنیم و تقویت کنیم و این را بنده



کارها. با آمدن ماشین یک مقدار بتدریج مثل اینکه قدر و منزلت کار مردم هم تنزل پیدا کرد. اینها برای ما مرگ آور بوده وهست. مردم برای ما مثل آب میمانند به ماهی، یعنی اگر ما داخل مردم نباشیم وجهاد اگر بسیج و آن حرکت بسیجی را نداشته باشد من این را قطعاً می دانم که ما تبدیل می شویم و خودمان را بدست خودمان سوق می دهیم به یک سیستم و نظام اداری که برای ما اجتناب ناپذیر است. ما که می خواهیم یک حرکت مردمی، انقلابی، معنوی و مقتدر باشیم در خدمت انقلاب و هروقت انقلاب مشکلی دارد با وارد شدن ما موازنه عوض بشود و تغییر پیدا کند، در آن صورت تبدیل می شویم به یک ماهی که از آب بیرون افتاده ایم، پرپر می زنیم و می میریم. قدرت ما در این خواهد بود که با مردم باشیم و درون مردم باشیم و مردم را بتوانیم در صحنه بیاوریم و برای مردم بستر ساز باشیم تا وارد معرکه بشوند. امکانات مملکت در همه چیز محدود است و تازه آن را هم که می دهند اگر ما را مغرور کند (و بعضاً هم کرده) که به خودمان متکی بشویم و به ماشین اطمینان بنازیم و به بلدوزمان بنازیم، همه این چیزها مارا از مردم جدا می کند، مارا ماشین زده می کند. مارا امکانات زده می کند باید با هر امکانات که داریم کار بکنیم و این طرز فکر را داشته باشیم که مملکت فضای کاری بسیار وسیع است و این امکانات که بدست ما آمده باید وسیله ای باشد برای ده برابر بسیج کردن مردم نه اینکه بسیج مردم پائین بیاید، میزان امکانات ما باید میزان بسیج مارا بالا ببرد، نه اینکه پائین بیاورد. مثل اینکه سپاه تانک گیرش بیافتد بگوید خوب تانک که دارم، کارصد نفر را می کند.

تلاشهایی که کردیم ماشین پیدا کردیم. اتفاق دوم اینکه این کار تعمیر ماشین را آمدیم از حالت اول تبدیل به سیستم کلاسیک کردیم یعنی یک تعمیر کار تعیین کردیم بروند ماشین تعمیر کنند و حقوق بگیرند خوب معلوم بود ضرر می داد. آفتا به خرج لحیم است گفتیم چکار کنیم؟ گفتیم تعطیلش کنیم صرف نمی کند روزی سیصد تومان بگیرد تا یک ماشین قراضه را تعمیر بکند همان سیستم خوب بود. همان سیستم که مکانیکش بیاید لوازم یدکی اش را از این طرف و آن طرف بیاورند. همان سیستم صرف می کرد و خوب بود. نه اینکه مکانیک بگیرد و او روزی سیصد تومان بگیرد این دو اتفاق هر دو برای ما درس آموز است. این مثال هست نه اینکه حالا بخواهیم بگوئیم عیناً همینطور است. این را کنار گذاشتیم و در مقابلش به ماشینهای نو خودمان متکی شدیم. خوب معلوم است در این رابطه ما بعد از یک مدت می دیدیم که باید یکی پیدا بشود تا ماشینهای کهنه خودمان را تعمیر و استفاده کند. چرا که سریعاً ماشینهای ما شروع کرد به خراب شدن، از کار افتادن، تصادف کردن و... در طول سه سال ماشین خود ما شد مثل ماشین آنها، یعنی با این ماشین نوها، آدم قدر ماشین کهنه را نمی دانست. این یک ضربه بود وهست یعنی اینکه ما باید آن حالات را می داشتیم که از هر امکان کوچک بهترین استفاده را می کردیم و مفهوم جهاد همین است. و این فزونی امکانات نباید از یادمان ببرد که ما از این ذره ذره امکانات باید استفاده بکنیم. همینطور هم دیدیم که اگر مردم را می بردیم در یک جایی درو می کردند، سنگی جمع می کردند، این

مکرر گفته ام ما برای کشاورزیمان مشکل داریم، برای تامین آب کشاورزی مشکل داریم. برای دامهایی که در مملکت داریم حدود ۸۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون راس هست علوفه نداریم. مراتع ما بشدت در حال تخریب شدن است و ما در سال، چند میلیون تن علوفه از خارج وارد می کنیم. زمین اش را داریم. امکانات طبیعی وجود دارد. خوب چه باید کرد؟ ما اگر بخواهیم بطور عادی حساب کنیم حدود ۳۰ سال طول می کشد تا ما علوفه این دامها را تامین کنیم. آن هم معلوم نیست که تامین بودجه اش عملی باشد یا نه. ما یکی از راههایی که داریم و می توانیم باتکیه بر آن کارهایمان را پیش ببریم این است که به نیروی خود مردم توجه کنیم. شیوه های جدیدی را فکر بکنیم. فکر نکنیم اگر یک نیروی قویی شدیم و خودمان توانستیم خیلی کارها را بکنیم این نشانه این است که از مردم بی نیازیم. من مثال می زنم. یک موقع بود ما می رفتیم ماشینهای کهنه وزارتخانه ها را می گرفتیم، راه می انداختیم، تعمیر می کردیم. خرجی هم برای ما نداشت (من حالا اینها را مثال می زنم تا ببینیم چه جوری در می آید) مردم خودشان می آمدند یک مکانیک از این طرف یک مکانیک از آن طرف پیدا می کردند و این کارها انجام میشد. خوب برای ما صرف هم می کرد. خیلی هم خوب بود. اما در این رابطه دو اتفاق افتاد یکی اینکه وقتی یک مقدار پولدار شدیم رفتیم ماشین خریدیم. توی این رابطه دیگر مثل اینکه بدمان آمد بریم توی ماشین کهنه ها بنشینیم گفتم

خوب الحمدلله که خدا به ما ماشین داد. با

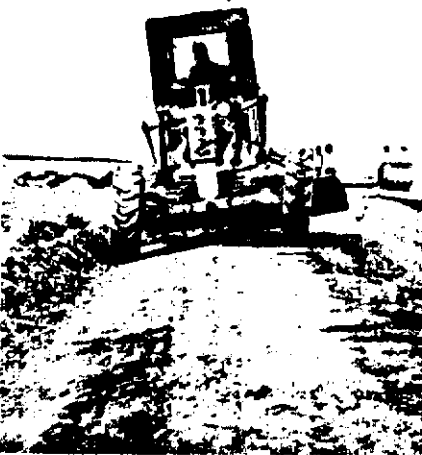
پس مردم بروید پی کارتان و شمارا نمی‌خواهیم اصلاً مردمی بودن جنگ از بین می‌رود الان جنگ یک چیز مردمی توی مملکت ماست، جنگ مال مردم است. خودشان جنگ را اداره

می‌کنند. جنگ را خود مردم اداره می‌کنند با تمام وجودشان تنها آن جبهه‌ها نیست. پشت جبهه‌ها هم هست. معنویت جبهه‌ها در درون دل مردم است و مردم را تحریک کرده است. ما رفته بودیم خانه یک شهید در یکی از روستاهای آذربایجان غربی در ارومیه یک روستائی ۶۰ الی ۶۵ ساله پسرش که در جهاد کار می‌کرد شهید شده بود و جالب این بود که حدود دو سال پیش شهید شده بود. این پیرمرد لباسش را زد کنار، بلوز پسرش تنش بود و گفت من این را در نیاوردم تنم کردم بلوزی که پسرم تنش بوده که شهید شده من تنم هست و ده بار هم رفتم که جهاد مرا به جبهه بفرستد و نفرستاده.

اینهاست که جهاد را زنده نگه می‌دارد. مردم در صحنه‌اند. و جنگ و حضور بچه‌های مردم انقلاب را بیمه کرده است. توپ و تانک که نمی‌تواند انقلاب را بیمه کند. مردم ما باید در جریان سنگینی کار ساختن کشور خودشان قرار بگیرند. مملکت را باید ساخت. مشکلات باید برای مردم گفته بشود. مردم مشکلات را اگر بدانند به اعتقاد بنده از میدان بدر نمی‌روند که هیچ بهتر وارد می‌شوند. خوب وقتی مردم آمدند ما می‌توانیم در میلیون هکتار توی کشاورزی کار بکنیم، بحث میلیارد متر مکعب را در کار تأمین آب کشاورزی بکنیم، بحث ۱۰۰ میلیون و ۱۵۰ میلیون رأس دام را در کار دامداری بکنیم. اما وقتی مردم نبودند هیچ چیز نیستیم. ما می‌شویم تکنسین، ما می‌شویم یکسری راننده بلدوزر، ما محدود می‌شویم به همین امکانات که خودش بسیار محدود است. اگر بخواهیم همین امکانات محدود را حساب کنیم تا سال دیگر مملکت به هیچ جا نمی‌رسد. حتی با همین روال که به ما پول هم بدهند و بیشتر هم بدهند فقط ساختن مملکتان را در زمانی می‌توانیم انجام بدهیم که با حضور مردم باشد. هیچ کاری توی این مملکت انجام نمی‌شود مگر با حضور دادن عظیم مردم در کارها و این شیوه‌های خاص خودش را می‌خواهد. برادران توی دنیا کمتر کار شده ولی ما باید نشدنهارا با حضور مردم تبدیل به شدنی سازیم. مثال می‌گویم کشت گندم دیم توی مملکت ما در بسیاری جاها صرف نمی‌کند به دلیل اینکه هزینه تولیدش بالاست، هزینه شخمش، هزینه برداشتش بالاست. همین امسال روز نبرد اقتصادی ما به یک جایی رفته بودیم که برداشت محصول گندم دیم بود. طرف می‌گفت من ره‌ایش کرده بودم بخاطر اینکه به یک عده گفتم شما باید این

گندمی که روی زمین است را درو کنید، گندمش مال خودتان فقط کاهش را به من بدهید، قبول نکردند. یعنی صرف نمی‌کرده نه اینکه آنها غرض داشتند. برایش صرف نمی‌کند. ولی اگر ما یک تکنهائی بدهیم، حرکتهائی بدهیم، چنین کارهائی بکنیم، یک دفعه باعث می‌شویم پنجاه هزار تن محصول بالا برود. همین پنجاه هزارتن، پنجاه هزار تنه‌است که یک دفعه می‌شود یک میلیون تن، دو میلیون تن. این روحیه باید باشد که مردم را باید حضور داد و در مقابلشان باید سر تعظیم فرود آورد. مغرور نشویم و خودخواه نباشیم و دل نندیم به آنچه که خودمان داریم و فکر کنیم دولت می‌دهد. نباید دولت بدهد. ندارد که بدهد. ما باید هدایت بشویم به اینکه از مردم استفاده کنیم. مثلاً می‌خواهیم سد بسازیم، البته برای مثال می‌گویم، اینها کارهائی است که شما باید بکنید. اعتقاد کلی من این است که بسیج خود جهاد است. «بسیج سازندگی» همان «جهاد سازندگی» است، منتهی ما گفتیم بیائیم برای این حرکت یسارکت

استارتا مقدماتی بگذاریم یک جایی باشد که خدمات بدهد، کمک کند و یاری بدهد به تمام واحدهای جهاد که باید بسیجی باشند. جهاد یک چیزی نیست و بسیج چیز دیگر، جهاد عین بسیج باید باشد، ولی مثل دیابازون است که مولد موج است و این امواج را به تمام یک مجموعه منتشر می‌کند. این حالات را این واحد باید داشته باشد. بسیج تمام واحدها را باید پشتیبانی کند. نه اینکه فکر کنیم بسیج فقط در اینجاست و بقیه جهاد کارشان را بکنند طبق سیستم اداری، این مرگ ماست.



واحد بسیج سازندگی درواقع واحد «پشتیبانی امر بسیج در جهاد» است. شیوه‌های جدیدتر را فکر می‌کند، کار می‌کند، راه می‌اندازد و کمک می‌کند. بقول معروف یکی می‌گفت یک بنا را یک عمده خوب نمی‌تواند بکار گیرد. می‌گفت اگر عمده تنبل باشد بنا می‌گوید آجر بده، حالا اگر بنا هم دارای خصوصیات تنبلی باشد، هر دو بار که می‌گوید آجر بده، عمده یک آجر می‌دهد. خوب این کمتر کار می‌کند و او هم از خدا خواسته هی کم کار می‌کند. اما اگر عمده طوری باشد که آجر دستش باشد تا بنا سرش را برمی‌گرداند آجر را بدستش بدهد، این عمده بنا را هم بکار می‌اندازد. بخاطر اینکه بنا نمی‌تواند هیچوقت بگوید این بمن آجر نداد. چون سربا آجر به دستش می‌دهد. این چیزی نیست که فکر کنیم کسر شأن است. خیر، باید این واحد بسیج مثل یک عمده برای کار بسیج در جهاد کار کند. یعنی باید جهاد را راه بیندازیم و هیچکس نتواند بگوید که من کارم را اینطور باید انجام دهم چون بصورت بسیجی نمی‌شود. با حضور مردم نمی‌شود. باید سعی کرد اگر کسی اینگونه می‌گوید همه راهها را برایش قطع کرد که برگردد به اینکه «می‌شود مردم را وارد صحنه کرد».

«مردم را وارد صحنه کردن» تنها به این نیست که مردم جمع بشوند و مثلاً بیایند یک جا محصولی درو کنند یا مثلاً محصول پنبه را جمع کنند و یا بسته‌بندی کنند. اینها شکلهای خوب و موفق و مؤثری است، اما تنها شکلهای نیستند. همینکه بیائیم با شوراها اسلامی صحبت کنیم، بحث کنیم که خودیاری مردمی بدهند، یک بسیج است. مثالی بگویم برای اینکه واحد بسیج باید واقعاً این واحدها را بسیج کند. برای کمیته آب مثلاً اگر بخواهیم سد بسازیم، سد پنجاه میلیون تومان هزینه دارد، این پنجاه میلیون تومان را در اکثر سدهائی که می‌سازیم در همان سال دوم یا سوم به آدم برمی‌گردانند، یعنی پول را با اضافه محصولی که هست، حالا پنجاه میلیون را شاید زیاد گفتم، ولی از این بندهای انحرافی زیاد داریم مثلاً ۵۰۰ هزار تومان، می‌بینیم ۱۵ تا ۲۰ هکتار زمین را کشت آبی می‌کند. هر کدام در سال حدود ۱ تا ۱/۵ تن اضافه محصول می‌دهد. حالا اگر حداقل یک تن هم بگیریم چهار هزار تومان اضافه محصول دارد و در ۲۰ هکتار ۸۰ هزار تومان می‌شود. البته اگر یونجه باشد که دو کشت ممکن است به بالاتر هم برسد، چندساله پول را پس می‌گیریم نه اینکه همه‌اش را. ما برای اینجاها می‌توانیم با مردم وارد بحث شویم، غیر از خودیاری مردمی که می‌گیریم. اصلاً ما بتوانیم برای مردم بشویم مثل کسانی که طرح می‌دهیم، مطالعاتش را می‌کنیم، می‌سازیم و

«بسیج سازندگی» بساید بستر مناسب را برای جریان یافتن سیل عظیم مردم در سازندگی کشور فراهم کند.

پولش را به مرور زمان از مردم می‌گیریم، با این مکانیزم می‌توانیم بانکها را وارد صحنه کنیم، برای سخت وام بانکی بگیریم. و بعد قدرت اجرایی مان و توان پولی که می‌توانیم تأمین و اجیر بکنیم چندبرابر می‌شود.

بعد وقت پیش رفته بودیم ارومیه که آقای حسینی امام جمعه آنجا می‌گفتند ما سدی داریم که ۴۰۰-۵۰۰ میلیون تومان خرج دارد، شما اگر اهل ساختنش باشید من پولش را از مردم جمع می‌کنم. حالا این که چقدر غنی باشد جای بحث است، ولی این روحیه، روحیه بسیار رزشمند و خوبی است که ما بتوانیم از مردمی که مثلاً ۱۵ هزار هکتار زمین دارند ۴۰۰-۵۰۰ میلیون تومان را دو سه سانه جمع کنیم. چون اکثر کارهای آبی که می‌شود باید بازده اقتصادی داشته باشد. همان دو سه ساله معمولیش اکثراً جواب می‌دهد، توی این کار ممکن است بسیج باشد. همتش این نباشد پول بگیریم و یک کار کنیم که برای مردم منموس نباشد.

در همین طرح علوفه کاری که یک بخش است علوفه دیم در مراتع، کار عظیمی است که فقط با پول خود مردم می‌شود اینکار را کرد. یک میلیون هکتار، دو میلیون هکتار، سه میلیون هکتار که کارهای مطالعاتی می‌خواهد اما اینها یک چیز جدیدی است یعنی کارهایی است که برای مردم این مملکت نشده و ما باید اینها را خلق کنیم. البته این مشکلات در اوایل جهاد هم بشدت بوده ولی ما آن موقع تجربه امروز را نداشتیم و زمینه‌کار و گستردگی و نیز وسعت عمل امروز را نمی‌شناختیم ولی الان می‌شناسیم و هر قدر بیشتر برویم و به این کارها برسیم این روحیه تقویت می‌شود و این را من به شما بگویم هر کار این چنینی مشکلات هم دارد. یعنی اگر فکر کار راحت بکنیم اصلاً این کار نیست و یکی از خصوصیات این کار مشکلات آن و مشکل بودنش است. این کار واحد بسیج بوده و واحد بسیج مشکلات دارد. این بسیج در واقع جهاد است که باید احیاءش بکنیم و مرتب تذکر به خردمان بدهیم که این مردم هستند و باید یا همان نبود که این مردم باید توی صحنه باشند تا این کارهای بزرگ را بتوانند انجام بدهند و اهمیت قضیه کار بسیج طبیعتاً علاوه

بر مسائل فرهنگی اثر عظیم اقتصادی هم برای ما دارد یعنی این نیست که ما بیائیم فقط یک کار فرهنگی کنیم یعنی یک کار بازده‌دار هم بکنند و اثر هم داشته باشد که دارد و اینها را می‌شود حساب کرد. بررسی کرد. می‌دانیم که زمینه‌های کار زیاد است و شما نباید قضیه را مقایسه ماشینی بکنید، لایروبی، سنگ جمع کردن و کارهای مفصلی می‌توان انجام داد. حتماً نیروها نباید ساده و بی‌تخصص باشد البته ممکن است پیکره و حجم عظیمی از نیروها، نیروهای دانش‌آموزی، مردم عادی و مردم نماز جمعه باشند اما یک بخش دیگری نیروهای متخصص هستند که حاضرند بیایند، اگر راه برایشان باز کنید و باید راهها را پیدا کنیم، فکر کنیم که این راهها را از دست ندهیم. اگر زمینه باشد، دکتر، تعمیر کار حتی برای دو یا سه روز ممکن است بیاید. مثلاً برای تعمیر کار می‌شود ماشین قراضه‌ها را آدم بدهد تا تعمیر کند و راه ببیند. تراکتورها را راه ببیند. اتصال بین مردم شهر و روستا و اصلاً حضور و شرکت دادن مردم روستاها کار مهمی باشد و برای آینده مفید و مؤثر خواهد بود.

کار خوبی که برادران جهاد شمیران انجام دادند از برادران بازار برای ساختن پل و حمام استفاده می‌نمایند و اینکار از اول تأسیس جهاد تاکنون انجام می‌شده است، کیفیت کار بدین صورت است که یک ماشین از جهاد این برادرا و وسایل و امکانات (که احتمالاً این وسایل نیز به خود برادران تعلق دارد) به محل کار می‌برد این کار خیلی خوب و باارزش است. حتی خوب است با این برادران صحبت شود و بیایند حضور داشته باشند.

توی جنگ دیدم بچه‌ها و حتی پیرمردهای ۷۰ ساله از ورامین کار و زندگی خود را رها کرده و به جبهه آمده‌اند (که البته اینها در بسیج سپاه زیاد هستند) اصلاً نفس این چیزها بسیار باارزش است و روحیه می‌دهد و مردم را وارد صحنه می‌کند و این باعث سازندگیهای عظیم می‌شود. می‌بینیم که بسیج برای کشور کارهای سازندگی زیادی دارد و برای سرنوشت نیروهای مخرب ضد انقلاب بعضی باید کار نماید. البته طبیعی است که ما باید اولویت‌های کار جهاد را منظور کرده و این اصلاً اختلافی ندارد که بسیج اینکار را بکند یا کمیته آب یا کمیته کشاورزی و هر کدام اینها که خواست کار کند بگوئیم بسم‌الله.

ما می‌خواهیم این حرکت بسیجی که بعضی وقتها احساس می‌شود فروکش کرده را زنده کنیم. حالا یک کمیته اگر بگوید من خودم بسیج می‌کنم، ما اصلاً باید کارمان اینطور باشد و بگوئید مخلصان هم هستیم و فرمائید انجام بدهید اگر کمی خواستند

شما به آنها بدهید. اگر دیدید یک کمیته دارد خوباً کار می‌کند بجای اینکه به او بگوئید بیا با ما کار سازندگی را انجام بده او را تشویق کرده و ماشالله بگوئید. او را بطرف جلو تشویق کرده و بگوئید در جهت جلو حرکت کند. هر چقدر کار بسیجی برای جهاد باشد باعث تقویت و حضور و قوی شدن جهاد می‌شود این همه‌اش عزت برای جهاد و واحد بسیج می‌باشد و هر چه بسیج از نظر تعداد کم باشد برای جهاد ضعف است.

اگر کمیته دام طرحی دارد شما نیرو بدهید و کمکی بدهید هرچور می‌خواهید از دانش‌آموزان، حتی شوراهای اسلامی خیلی قوی می‌توانید به آنها کمک بدهید. مثلاً بسیج بگوید که من کمک می‌کنم مهم این است که این روحیه دمیده شود و هر چقدر بیشتر باشد بهتر است و اولویت کارهای جهاد توی اینجا تا حدود زیادی هست و باید ملحوظ شود که از آب کشاورزی گرفته، کارهای کشاورزی، زراعت، امور دام تا صنایع روستائی و بقیه‌اش که هست و می‌دانید و بارها ذکر شده و به این حساب هست که انشالله کارها پیش خواهد رفت. واحد بسیج همانطوری که با مردم کار دارد باید بصور باشد. افراد این واحد همانطوری که اشاره کردم باید واقعاً افرادی باشند که کمترین دافعه را داشته باشند.

مهمترین افراد و فعالترین افراد و سنگ زیرین آسیاب باید در بسیج باشد. باید در مقابل مشکلات صبور و ملایم باشند. حتی در داخل خود جهاد هم چنین باشند و بدانند هر تولدی اینگونه است. من نمی‌خواهم بگویم بسیج یک تولد جدیدی است برای جهاد، تولد جدید نیست منتها برای هر چیز جدیدی مشکلات هست. این چیز جدید به این اعتبار که الان داریم با آن برخورد می‌کنیم در جهت تقویت بسیج است، در جهت رشد دادن و زنده کردن آن حرکتها است که بعضاً احساس میشده که رو به افول است. هر تولد انقلابی و یک نظامی که می‌خواهد در کشور مستقر شود چقدر فشار و درد و مشکل دارد از تولد خود انسان تا تولد هر چیزی دیگر با مشکلات همراه است این را باید ما بپذیریم و برادرها بطور طبیعی مثل همه برادران جهاد باید اصل را به تقوا و انجام کار برای خدا بگذارند و این کار بیشتر

به این مطلب نیاز دارد، بخاطر اینکه مقدسترین چیزهاست زیرا شما با عواطف مردم و با خود مردم سر و کار دارید. و اگر مردم بدی احساس کردند به صحنه نخواهند آمد بلکه باید در شما اخلاص وجود داشته باشد. شما می‌خواهید با مساجد، روحانیت، مدارس، کارگرا، دانشجویان، کسبه یا اقشار مختلف مردم ارتباط داشته باشید. وقتی مردم روز تعطیلی خودشان را برای خود حرام کنند

و به جهاد بیایند باید احساس خلوص نمایند و احساس پاکی و یاد خدا و نام خدا بشنوند. این کار اداری نیست بلکه باید با صفا بوده و مسئولین بسیج باید اینکاره باشند و اینرا در مقابل خودتان هیچ و عبث حس نکنید. بلکه بزرگی بکنید اگر کار شما را بعضی توجیه نشدند و یا بعضی وقتها روی بعضی ابعادهای توجیه نیستند با ملامت صحبت کنیم که توجیه شوند و بتوانند کار شما را راه بیندازند و می‌دانم که هستند افرادی که تمایل دارند و این کارها باید بشود هر جا در اینمدت به ما گزارش داده‌اند دیده‌ایم که خوشحال هستند. این جور کارها باید تقویت شود و مردم حضور داشته باشند. و ما هم باید مسئولین مان را ببریم و بروند کار کنند تا نمونه باشند و خود شما هم همینطور، خود شما تنها دستور دهنده بسیج نباشید، خودتان دستتان را بالا برده توی خاک و شن بکنید، ما هم همینطور، مسئولین جهاد همه باید باشند، مسئولین استان هم باید باشند، اگر می‌گوئیم روستا مهم است و کشاورزی محور است باید خودمان را نشان بدهیم با عملمان، یعنی با عملمان تبلیغ بکنیم و شورا و آنچه در محل است را ببریم و زمینه کار برایشان فراهم کنیم.

ممکن است بعضی‌ها الان یک ذهنیت و یک حجاب برایشان باشد و کمی هم برایشان سخت باشد باید اینها را بشکنید، استاندار، امام جمعه مسئولین ادارات را برای کار دعوت کنید، اینکارها شما را عزت می‌دهد و به کار عزت می‌دهد و کار در روستا عزت و شرافت می‌دهد و قویتر بر خورد خواهند کرد. همینطور که در اولش هم بوده است مهندسه‌ها را ببرید. دفع نکنید، نگوئید چون طرف ریشش را تراشیده، نبریمش، نیروی دافعه نداشته باشید و هر کس می‌خواهد، بیاید. هر که می‌خواهد و جمهوری اسلامی را قبول دارد ببرید. دایره را تنگش نکنید. البته کسی را که می‌خواهد برود تبلیغات مثلاً فلان کند نه، یک آدمی که حالا می‌خواهد کار کند. این آرام آرام می‌آید توی کار، آنوقت هزاران سمپات خواهید داشت در جاهای مختلف. البته در ارتباط با خواهران این را من اینجا بگویم بسیار مسئله حساسی است و این را باید با دقت و ظرافت انجام داد. باز برخورد نکنیم که هیچ به صلاح نیست در رابطه با خواهرها و این مسئله بسیار دقیق و حساسی است حتماً روحانیون جهادها در جریان باشند با دقت باشد اگر قرار است از خواهر باشند و بهر حال در ارتباطات اینها، مثل برادرها نباید با قضیه خواهرها برخورد کرد. مسئله حساس و ظریف است و باید حرمت خواهرها را بطور کامل نگه داشت. بهر حال اینها وقتی بیایند در اینجاها کار کنند، حضور داشته باشند، فعال باشند، ببینند زندگی روستائی چقدر سخت است،

ببینند برای تولید یک کیلو گندم چقدر زحمت باید کشید و رفاهی که در شهرهاست و اینکه چقدر عدم توازن وجود دارد بین آنچه



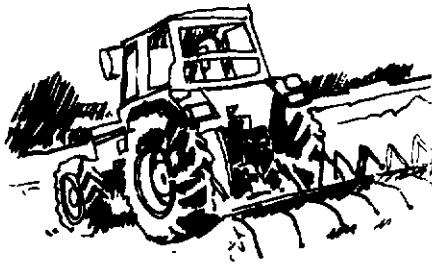
که در شهرها هست و همه آنچه که در روستاها هست همه اینها اثر می‌گذارد در توقعات، در گرایشها، در برخورد های نیروهای بسیجی. اینها بسیاری از مردم کشورمان هستند که حتی پایشان را توی خانه دهاتی تا الان نگذاشته‌اند، فقط در تلویزیون اسم دهاتی را شنیده‌اند، و یا در شهر یک نفری دیده‌اند و فکر کرده‌اند این حتماً در یک دهی بوده، بروند ببینند، برخورد کنند، حرمت داده شود به کار. نه اینکه از موضع بالا به پائین برخورد شود که ما آمده‌ایم شما را از بدبختی نجات بدهیم. ما فرشتگانی هستیم سوار بر بال اسبان سفید آمده‌ایم نجاستان بدهیم، نخیر، موضع خاکی و پائین باید داشته باشند، آنها برما منت دارند، روستاها برما منت دارند. ما که بر آنها منت نداریم ما تولیدی برای آنها نداریم و آنها تولید دارند. هم خودشان را تأمین می‌کنند و باری بر دوش مملکت نیستند و هم مقداری به ما می‌دهند و ما را تأمین می‌کنند و امور ما را می‌گردانند. پول مملکت هم کمترین مقدارش صرف آنها می‌شود (شاید ۵-۶ درصد) بقیه‌اش را باز شهرها مصرف می‌کنند و استفاده می‌کنند. این است که انشاءالله ما به این واحدهای بسیج امید بسته‌ایم. بعنوان یک نظریه و دیدگاه یک امید و آرزو برای ساختن مملکت این یک نیروی عظیمی است که برای ساختن مملکت باید بسیج شود. هر چه حساب کنیم می‌بینیم باید این گونه کارها در مملکت بشود تا

مملکت احیاء شود. با روشهای کلاسیک ما نمی‌توانیم نه از لحاظ پول، نه از امکانات و نه از لحاظ نیرو هر کار را باید اینطور فکر کرد که چطور می‌شود بسیجی انجامش داد. ساده‌اش کرد آنقدر که بشود گسترده‌اش کرد و مردم را وارد میدان نمود، از تلویزیون، از رادیو، به اعتقاد من همه اینها باید بیاید به سمتی که این جهتها را انجام دهند. و حتی واحدهای آموزش روستائی باید در جهتائی که هست (چون آن هم واحدهستیبائی و آموزشهای روستائی برای جهاد هست) در خدمت بسیج باشد در مواردیکه لازم است. من بیش از این وقت شما را نمی‌گیرم این سمینار امیدوارم سمینار و گردهمائی پربرکتی باشد برای کاریسیج در همه جا و این بسیج بیشتر فکری خواهد و شما دنبال این نباشید که حالا ۷۰ تا نیرو در واحد بسیج باشد و بگوید مثلاً نیرو در استان نداریم. استان ما ضعیف است و.... ضعف را از دل بکنید. با یک نیرو هم می‌شود اینکار را کرد، با دو نیرو هم می‌شود اینکار را کرد. منتها سطح این ممکن است اول محدودتر باشد. اما نگوئید که نیرو کم داریم، نه، با یک نیرو هم باید شروع کرد. و یک چیزی را راه انداخت و مردم را آورد. و همینکه مردم آمدند خودشان به آدم نیرو می‌دهند. آدم هم از درون همین نیروهائی که می‌آیند پیدایمی‌شود، بیایید راهش بیندازیم، نگوئیم اول دنبال تشکیلات و نیرو و دفتر و.... برویم مگر بسیج دفتر مرکزی چقدر نیرو دارند. من فکر نمی‌کنم بیش از ۵-۶ تا نیرو داشته باشد الحمدلله با فکر و درایت و پیگری که هست یک تکانهائی احساس می‌کنیم. اگر در آینده هم بخواهیم حرکتی را شاهد باشیم در این مملکت در سطح وسیع قطعاً به همین روش خواهد بود و ما همین طرح سنابل و طرح انعام و طرحهای دیگری که الان بحث هست می‌بینیم همزمان با تقویت واحد بسیج و راه افتادن آن هست که طرحها مطرح شده، اول نمایی دانستیم چطور است. اول که آمدند و این طرح را مطرح کردند گفتیم من بنظرم می‌رسد که باید در سطح میلیون هکتار باید رفت و کار کرد. در کشاورزی، در کارهای دام،... اما نمایی دانم چطور فقط

می‌دانم باید میلیون هکتاری کار کرد. فکر می‌کردیم یک آدم را وارد صحنه و وارد معرکه کنیم چگونگی را نمی‌دانستیم اما وقتی نشستیم بالا کردیم، پائین کردیم، این طرح سنابل درآمد، خوب یک طرح دقیقاً بسیجی است. حالا بسیجی معنایش این نیست که یکمده را از شهر ببریم، یک طرح عظیمی است که خود مردم روستا را می‌آوریم، آموزششان می‌دهیم، شوراها را می‌آوریم و یک کار بزرگی که با روش کلاسیک سازگار نبوده مطرح



بازدید از نمایشگاه ادوات و ماشین آلات کشاورزی در ایتالیا



گروه BEDONY یک گروه اجرائی از چند گروه اجرائی کمپانی ITAL IMPIANTY می باشد که گروه مذکور صرفا کارهای ماشین آلات و ادوات کشاورزی کمپانی یاد شده را انجام می دهد.

کارخانه PIETRO GARZONTO این کارخانه را پس از پیمودن راهی طولانی در میان یکسری روستا پیدا کردیم با مساحت ۱۵۰۰ متر مربع که تمام آن زیر بنا می باشد ۱۸۰ نفر را بخود مشغول کرده است با سابقه ۲۴ ساله خود می تواند سالانه ۵۰۰ تن از سیمه های با ضخامت های مختلف رابه فنر تبدیل کند. فنر تولیدی در این کارخانه از نوع لوله ای از سیمه های با قطر ۱/۱ میلیمتر تا ۱۶ میلیمتر می باشد که طول فنر بستگی به سفارش دارد. حداکثر قطر فنر ۲۷۰ میلیمتر و حداقل آن ۸/۱ میلیمتر می تواند باشد. برای فنرهای مختلف از فولادهای مختلف استفاده میشود.

یکی از بزرگترین کارخانه های ادوات سازی که در نمایشگاه شرکت کرده بود شرکت ادوات سازی NARDI با ۱۰۰ سال سابقه بود. آخرین بازدید را از کارخانه ناردی NARDI که در ۲۰۰ کیلومتری رم قرار داشت نمودیم چیزی نزدیک ۶۰۰ کیلومتر از شهر BOLONIA بطرف رم حرکت کرده بود که به کارخانه NARDI در یک روستا رسیدیم. این کارخانه از سال ۱۸۸۵ تاسیس شده بود که در راهروی اصلی این کارخانه اولین گاواهنی را که در ۱۰۰ سال پیش ساخته بود رابه نمایش گذاشته بودند، پرسنل کارخانه ۳۰۰ نفر بود که این کارخانه یکی از چهار کارخانه ای بود که مربوط به گروه NARDI بود و کل پرسنل در ۴ کارخانه ۱۰۰۰ نفر میشد. تعداد کشورهای که NARDI به آنها تولیدات خود را صادر می کند بالغ بر ۵۵ کشور می باشد.

شرکت NARDI برای کل تولیدات خود یکسال گارانتی قرار می دهد و بازار ایران را خیلی مهم می دانستند در عین حالی که

نهائی و نابودی سردمداران ظلم و رفع فتنه از جهان دانسته و موفقیت در این امر را در گرو بسیج متشکل نیروهای مردمی می دانیم.

۲- به پیروی از رهنمودهای فقیه عالیقدر حضرت آیت... العظمی منتظری، مسأله احیاء کشاورزی و توجه به روستاها را بعنوان محور توسعه اقتصادی کشور، اصلی ترین مسأله بعد از جنگ دانسته، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی خواهان تسریع در وضع قوانین اسلامی و کارساز برای حل معضلات کشاورزی و احیاء و توسعه روستاها می باشیم.

۳- باتوجه به نقش پیشتازی روحانیت معظم در حرکت های مردمی از روحانیون و ائمه محترم جمعه و جماعات سراسر کشور تقاضا داریم ضمن حضور و نظارت در برنامه های بسیج مردم برای سازندگی روستاها امت حزب... را به حضور هر چه گسترده تر در این امر ارشاد و هدایت فرمایند.

۴- باللهام از فرمان امام امت در تشکیل جهاد سازندگی و باتوجه به وظایف محوله جهاد و تجربیات بدست آمده در این رابطه و همچنین نقش مؤثر مردم در جبهه های جنگ، ما اساسی ترین راه حل سازندگی روستاها و احیاء کشاورزی را بسیج عمومی نیروهای مردمی از اقشار مختلف دانسته، از دانشجویان، دانش آموزان، صاحبان حرف و سایر اقشار امت شهیدپرور خواهان حضور گسترده در این جهاد مقدس هستیم.

۵- از مسئولین کشور علی الخصوص هیئت محترم دولت خواستاریم که با برنامه ریزی مناسب زمینه شرکت گسترده نیروها و امکانات دولتی را در برنامه هایی که از طرف بسیج سازندگی جهاد اعلام می گردد فراهم نمایند.

۶- از ستاد انقلاب فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی تقاضا داریم باتهییه برنامه های مناسب جهت کارآموزی و کارورزی و اجرای طرح کاد، رابه طرح های کشاورزی و فعالیتهای روستائی سوق دهند تا قشر جوان تحصیل کرده کشور هر چه بیشتر بامحرومیتها و همچنین ضرورت های کشور آشنا گردند.

۷- ضمن قدردانی از روستائیان عزیز کشور که با عشق و ایثار در خدمت به انقلاب می کوشند از شوراهای اسلامی روستائی می خواهیم تازمینه مشارکت و بسیج هر چه گسترده تر کشاورزان و روستائیان را در طرح های سازندگی فراهم آورند.

۸- از صدا و سیما ی جمهوری اسلامی، مطبوعات و رسانه های گروهی خواهانیم که باتوجه به اهمیت حضور مردم در جبهه سازندگی زمینه تشویقی و توجیهی لازم را بنحو مطلوب برای این حرکت عظیم که تداوم انقلاب در گرو آنست فراهم آورند.

می کنیم. البته دیگران هم می گویند ما هم می کنیم. خوب بسم الله ما که بخیل نیستیم. همه ادارات بیایند بسیجی کار کنند ما از خدا می خواهیم، با همان هزینه ها بیایند کار کنند. بیش از این وقت برادرها را نمی گیره. والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته



قطعنامه اولین گردهمایی مسئولین واحد بسیج جهاد سازندگی استانهای سراسر کشور

«دانشجویان عزیز، متخصصین، مهندسین، بازاریان، کشاورزان، همه قشرهای ملت داوطلب هستند که ایرانی را که بطور مخروبه بدست ما آمده است بسازند، از این جهت ما باید این چهار را به سازندگی موسوم نمائیم. در این جهاد که جهاد سازندگی همه قشرهای ملت زن و مرد، پیرو جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین، متخصصین، شهری و دهاتی همه باهم باید تشریک مساعی کنند.» (امام خمینی در فرمان تشکیل جهاد سازندگی)

با عنایت الهی و تحت توجهات حضرت ولی عصر امام زمان سلام... علیه اولین گردهمایی مسئولین واحد بسیج جهاد سازندگی سراسر کشور از تاریخ ۲۴ الی ۲۶ آذر ماه در دفتر مرکزی جهاد سازندگی تشکیل گردید تا به بحث و بررسی و اتخاذ شیوه های مناسب جهت فراهم نمودن زمینه های حضور دائمی امت حزب... و شهیدپرور در جبهه دوم نبرد علیه استکبار جهانی یعنی حرکت بسوی خود کفائی و استقلال اقتصادی بپردازد. امید است باللهام گرفتن از رهنمودهای امام عزیز و با استفاده از تجربه موفق انقلاب اسلامی یعنی نقش کارساز حضور گسترده مردم در مراحل مختلف انقلاب اسلامی بخصوص در جنگ تحمیلی تحت عنوان بسیج مستضعفین زمینه بسیج عظیم مردم در جبهه تلاش برای نیل به خود کفائی و استقلال اقتصادی که محور آن توسعه روستاها و احیاء کشاورزی می باشد فراهم گردد.

این گردهم آید به ارواح طیبه شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و طلب آموزش برای آنان و در این مراسم آموزشی رزمندگان دلیر اسلام، ضمن تسبیح و تکریم مقام خود از اسل و لایت فقیه و امامت برای امت از رهنمودهای پیامبر گویا و پیامبر حضرت امام امت مدظله از هر گاه ایند میان طول عمر و عزت ایشان را تا انقلاب حضرت مهدی (عج) خواهانیم و مواد نیل را به عنوان قطعنامه این گردهمایی اعلام می داریم:

۱- به پیروی از رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب، جنگ را مسأله اصلی کشور دانسته و تنها راه اصلی خاتمه جنگ را نبرد تاپیروزی